

تفکر انتقادی در آموزش حسابداری: بازنگری شایستگی‌ها و ضرورت‌های آموزشی در عصر انقلاب صنعتی چهارم

مریم مهاجرانی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

maryam.mohajerani@modares.ac.ir

دکتر حسین اعتمادی

استاد حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

etemadiah@modares.ac.ir

شماره ۱۰۹ / زمستان ۱۴۰۴ (جلد اول) / صص ۱۱۴-۱۲۵
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هشتم)

چکیده

کارفرمایان و نهادهای حرفه‌ای بر ضرورت دوره‌های آموزش عالی حسابداری باتاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی تأکید دارند، که شامل طیف وسیعی از توانایی‌های شناختی، از جمله حل مسئله پیچیده، تصمیم‌گیری استراتژیک، استدلال تحلیلی دقیق، تفکر انتقادی، و استدلال منطقی و ریاضی است. دگرگونی مداوم نقش‌های حسابداری، که از وظایف صرفاً تراکنشی به سمت مسئولیت‌های با مهارت بالاتر، به صراحت نیازمند قابلیت‌های قوی در تحلیل، حل مسئله و تصمیم‌گیری آگاهانه است. علاوه بر این، از حسابداران مدرن به طور فزاینده‌ای انتظار می‌رود که "خارج از چارچوب فکر کنند، خلاقیت خود را در مقابله با چالش‌های مالی نشان دهند و در تحلیل سناریو و برنامه‌ریزی احتمالی برای آگاهی‌بخشی به قضاوت حرفه‌ای مشارکت فعال داشته باشند". این تغییر عمیق نشان می‌دهد که ارزش اصلی حسابدار مدرن نه در پردازش روتین داده‌ها، بلکه در ظرفیت آنها برای تفکر پیچیده، بینش استراتژیک و قضاوت دقیق نهفته است. این مقاله با رویکرد مروری و تحلیل محتوای مقالات منتشر شده در مجلات معتبر تدوین شده است و هدف آن ارائه یک چارچوب مفهومی یا مدل تجویزی جدید نیست. تمرکز اصلی بر تلفیق یافته‌های تجربی و مفاهیم پیشین است تا به بازنگری شایستگی‌ها و ضرورت‌های آموزشی در عصر انقلاب صنعتی چهارم بپردازد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، آموزش حسابداری، مهارت‌های شناختی (توانایی‌های ذهنی)، تمایلات رفتاری (عادات ذهنی).

مقدمه

در سال‌های اخیر، حرفه حسابداری تحت تأثیر انقلاب صنعتی چهارم با تحولات بنیادینی مواجه شده است؛ تحولاتی که ضرورت بازنگری جدی در مهارت‌های سنتی این حرفه را برجسته می‌سازد (تربلانش و دکلرک، ۲۰۲۱). با گسترش فناوری‌های نوین، بخش قابل توجهی از وظایف تکراری، محاسباتی و مبتنی بر قواعد از پیش تعریف‌شده حسابداران به سرعت در حال خودکارسازی است. در نتیجه، جایگاه حرفه‌ای حسابداران از نقش‌های سنتی عددپردازی و دفترداری به سمت ایفای نقش به‌عنوان تحلیل‌گران راهبردی، همکاران دانش‌محور و مشاوران تصمیم‌گیری سازمانی در حال تغییر است (تربلانش و دکلرک، ۲۰۲۳). در چنین محیط پویایی، اتکای صرف بر مهارت‌های فنی و دانش تخصصی برای

آمادگی شغلی فارغ التحصیلان حسابداری کفایت نمی‌کند و توانایی‌های شناختی سطح بالا به‌عنوان مزیت رقابتی اصلی آنان در سطح جهانی مطرح می‌شود (کاسچینی و ریچ، ۲۰۰۷؛ سینووه و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکیدهای مکرر نهادهای حرفه‌ای حسابداری بر ضرورت تقویت تفکر انتقادی، پیشرفت محسوسی در تحقق آموزشی این مهارت در دانشگاه‌ها مشاهده نمی‌شود (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱). فارغ التحصیلانی که از دانش فنی و نظری مناسبی برخوردارند اما فاقد توانایی تفکر انتقادی هستند، در انجام وظایفی که مستلزم قضاوت مستقل، تحلیل موقعیت‌های مبهم و تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت است، با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند (سینووه و همکاران، ۲۰۲۳). تفکر انتقادی، که شامل مؤلفه‌هایی نظیر تفسیر، تحلیل، ارزیابی، استدلال و خودتنظیمی شناختی است، این امکان را برای حسابداران فراهم می‌سازد تا در مواجهه با اطلاعات ناقص، متناقض یا پیچیده، به قضاوت‌های حرفه‌ای معقول و مستدل دست یابند (تربلانش و دکلرک، ۲۰۲۱). با این حال، پیاده‌سازی مؤثر تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی حسابداری با موانع متعددی روبه‌رو است. از یک‌سو، غلبه محتوای فنی بر فرآیندهای فکری و شناختی، در کنار فقدان یک تعریف عملیاتی و مشترک از تفکر انتقادی، موجب سردرگمی مدرسان و دانشجویان شده است (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، محدودیت منابع زمانی برای ارائه بازخوردهای فردی، افزایش تعداد دانشجویان و کاهش تعاملات آموزشی، به‌ویژه در محیط‌های یادگیری مجازی، اثربخشی آموزش تفکر انتقادی را با چالش جدی مواجه کرده است (سینووه و همکاران، ۲۰۲۳). در چنین شرایطی، نیاز به یک نگاه یکپارچه و انتقادی به پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود. بر این اساس، هدف از مقاله مروری حاضر، یکپارچه‌سازی یافته‌های پژوهشی به‌منظور تبیین شایستگی‌های تفکر انتقادی مورد نیاز حسابداران در عصر انقلاب صنعتی چهارم و ارائه راهکارهای آموزشی مبتنی بر شواهد تجربی است. این مطالعه می‌کوشد با بررسی رویکردهایی نظیر استفاده از شبیه‌سازی‌های آموزشی، چارچوب‌های ارزشیابی مبتنی بر معیار و مدل‌های رشد شناختی، نقشه راهی برای تربیت حسابدارانی ارائه دهد که بتوانند به‌عنوان متفکرانی مستقل، تحلیل‌گر و اخلاق‌مدار در محیط‌های پیچیده و پویای کسب‌وکار نقش‌آفرینی کنند (تربلانش و دکلرک، ۲۰۲۱).

تعاریف، ابعاد و چارچوب‌های شایستگی تفکر انتقادی

تکثر مفاهیم و چالش تعریف واحد در حسابداری

بررسی متون تخصصی نشان می‌دهد که «تفکر انتقادی» علی‌رغم اهمیت حیاتی، یکی از دشوارترین و چالش‌برانگیزترین مفاهیم در حوزه آموزش حسابداری است. تربلانش و دی کلرک اشاره می‌کنند که فقدان یک تعریف واحد و مورد توافق، منجر به سردرگمی مدرسان در عملیاتی‌سازی این مهارت در کلاس‌های درس شده است. در متون حسابداری، این مفهوم اغلب با واژگانی نظیر «حل مسئله»، «تصمیم‌گیری»، «قضاوت حرفه‌ای» و «مهارت‌های فکری» به جای یکدیگر به کار می‌رود (تربلانش و دی کلرک، ۲۰۲۱).

با این حال، ولکات و سارجنت معتقدند که اگرچه تعریف واحدی وجود ندارد، اما چارچوب‌های ارائه شده توسط سازمان‌های حرفه‌ای نظیر انجمن حسابداران رسمی آمریکا، انجمن مدیریت حسابداران، انجمن حسابداران حرفه‌ای کانادا با یکدیگر هم سو هستند. برای مثال، انجمن حسابداران رسمی آمریکا تفکر انتقادی را ذیل عنوان «تصمیم‌گیری» قرار داده و آن را شامل شناسایی عینی مسائل، ارزیابی انتقادی و استفاده از قضاوت حرفه‌ای برای توسعه مدل‌های تصمیم‌گیری می‌داند. به طور مشابه، انجمن حسابداران آفریقای جنوبی آن را فرآیند مفهوم‌سازی، تحلیل و ارزیابی فعالانه اطلاعات می‌داند که با ویژگی‌هایی چون دقت، وضوح و عمق استدلال شناخته می‌شود.

ابعاد دوگانه تفکر انتقادی: مهارت‌های شناختی و تمایلات رفتاری

- اتفاق نظر گسترده‌ای میان پژوهشگران وجود دارد که تفکر انتقادی پدیده‌ای چند بعدی است که از دو رکن اصلی تشکیل شده است: مهارت‌های شناختی (توانایی‌های ذهنی) و تمایلات رفتاری (عادات ذهنی)
- الف) مهارت‌های شناختی: طبق بیانیه اجماع انجمن فلسفه آمریکا که در بسیاری از مطالعات حسابداری مورد استناد قرار گرفته است، شش مهارت اصلی برای یک متفکر انتقادی تعریف شده است:
- ✓ تفسیر: توانایی درک و بیان معنای داده‌ها، رویدادها و رویه‌های حسابداری
 - ✓ تحلیل: شناسایی روابط استنتاجی میان صورت‌بندی‌ها، مفاهیم و نظرات تخصصی
 - ✓ ارزیابی: سنجش اعتبار ادعاها و قدرت منطقی روابط استنتاجی در گزارش‌ها
 - ✓ استنباط: شناسایی عناصر لازم برای نتیجه‌گیری منطقی و فرضیه‌سازی بر اساس داده‌ها
 - ✓ توضیح: توانایی بیان نتایج استدلال و توجیه روش شناختی و مفهومی آن
 - ✓ خودتنظیمی: نظارت خودآگاه بر فعالیت‌های شناختی خود و اصلاح قضاوت‌های شخصی (فراشناخت)
- ب) تمایلات رفتاری و اخلاقی: تفکر انتقادی فراتر از مهارت‌های فنی، به نوعی «تعهد فکری» نیاز دارد. کاسینی و ریچ تأکید می‌کنند که متفکران انتقادی باید افرادی خودراهبر، خودمنضبط و خوداصلاح‌گر باشند. پژوهش تربلانش و دی کلرک ابعاد جدیدی را به این تمایلات افزوده است که شامل موارد زیر است:
- ✓ کنجکاوی فکری: اشتیاق برای یادگیری و پرسش‌گری مداوم.
 - ✓ ذهن باز: احترام به دیدگاه‌های مخالف و حساسیت نسبت به سوگیری‌های شخصی.
 - ✓ صداقت فکری و حق‌جویی: شجاعت در پرسیدن سوالاتی که ممکن است پیش‌فرض‌های فرد را به چالش بکشد.
 - ✓ اعتماد به نفس در استدلال: اعتماد به توانایی‌های ذهنی خود برای حل مسائل پیچیده.

منبع	مهارت‌ها و توانایی‌های شناختی تفکر انتقادی	گرایش‌ها و آمادگی‌های ذهنی تفکر انتقادی
<p>انیس (۱۹۸۵)، ص. ۴۵؛ ۲۰۱۵، صص. ۳۲-۴۵)</p>	<p>توانایی‌های تفکر انتقادی</p> <ul style="list-style-type: none"> • داشتن تمرکز و پیگیری آن (توانایی شناسایی، توجه و حفظ تمرکز بر مسئله) • تحلیل استدلال‌ها • طرح و پاسخ‌گویی به پرسش‌های تبیینی؛ طرح پرسش محوری «چرا؟» • درک و به‌کارگیری نمودارها و مفاهیم ریاضی • داوری درباره اعتبار منابع اطلاعاتی • مشاهده و ارزیابی گزارش‌های مشاهده‌ای • استفاده از دانش پیشین، آگاهی از موقعیت و نتایج تثبیت‌شده قبلی • استنتاج قیاسی و ارزیابی استنتاج‌ها • انجام و ارزیابی استنتاج‌ها و استدلال‌های استقرایی (اعم از استقرای شمارشی و استدلال مبتنی بر بهترین تبیین) • انجام و ارزیابی داوری‌های ارزشی • تعریف مفاهیم و ارزیابی تعاریف • مواجهه با ابهام مفهومی و تشخیص بهره‌برداری نادرست از ابهام برای حمایت از یک موضع • شناسایی و ارزیابی مفروضات ضمنی • تفکر فرضی و شرطی • تشخیص و مواجهه با مغالطه‌ها (مانند استناد به شایعه، پیروی از اکثریت یا توسل به مرجعیت) • آگاهی از کیفیت تفکر خود و ارزیابی آن (فراشناخت) • برخورد منظم و سامان‌مند با مسائل • تشخیص و مواجهه با راهبردهای بلاغی و اقناعی <p>گمراه‌کننده</p>	<p>گرایش‌های تفکر انتقادی</p> <ul style="list-style-type: none"> • جست‌وجو و ارائه بیان روشن از مسئله یا گزاره محوری • جست‌وجو و ارائه دلایل روشن و مستدل • تلاش برای برخورداری از آگاهی کافی • استفاده از منابع و شواهد معتبر و ارجاع به آن‌ها • توجه به کل موقعیت و زمینه تصمیم‌گیری • در نظر داشتن دغدغه‌های اساسی موجود در بافت مسئله • هوشیاری نسبت به گزینه‌ها و بدیل‌های ممکن • ذهن‌باز و بررسی جدی دیدگاه‌های بدیل؛ تعلیق قضاوت در صورت ناکافی‌بودن شواهد • اتخاذ موضع و تغییر آن در صورت کفایت شواهد و دلایل • جست‌وجوی دقت به میزان مورد نیاز موقعیت • تلاش برای دستیابی به بهترین داوری ممکن در حد توان و امکان • به‌کارگیری فعال توانایی‌های تفکر انتقادی
<p>فاشیونه (۱۹۹۰)، صص. ۲-۱۹؛ ۲۰۱۵، صص. ۱-۲۸)</p>	<p>مهارت‌های هسته‌ای تفکر انتقادی</p> <ul style="list-style-type: none"> • تفسیر: درک و بیان معنا یا اهمیت طیف گسترده‌ای از تجربیات، موقعیت‌ها، داده‌ها، رویدادها، داوری‌ها، باورها، قواعد و رویه‌ها • تحلیل: شناسایی روابط استنتاجی مقصود و واقعی میان گزاره‌ها، پرسش‌ها، مفاهیم و بازنمایی‌های مختلف • ارزیابی: سنجش اعتبار گزاره‌ها و بازنمایی‌ها و ارزیابی قدرت منطقی استدلال‌ها • استنتاج: استخراج نتایج منطقی از داده‌ها و شواهد موجود • تبیین: ارائه دلایل، شواهد و استدلال‌های پشتیبان داوری‌ها • خودتنظیمی: پایش و اصلاح مستمر فرایندهای تفکر 	<p>گرایش‌های عاطفی و نگرشی تفکر انتقادی</p> <ul style="list-style-type: none"> • کنجکاوی نسبت به طیف وسیعی از مسائل • دغدغه‌مندی نسبت به آگاه‌بودن و به‌روز ماندن • هوشیاری نسبت به فرصت‌های به‌کارگیری تفکر انتقادی • اعتماد به فرایندهای پژوهش عقلانی و استدلال‌محور • اعتماد به توانایی شخصی در استدلال و قضاوت • ذهن‌باز نسبت به جهان‌بینی‌های متفاوت • انعطاف‌پذیری در بررسی گزینه‌ها و دیدگاه‌ها • درک دیدگاه‌ها و نظرات دیگران • انصاف در ارزیابی استدلال‌ها • صداقت در مواجهه با سوگیری‌ها، پیش‌داوری‌ها و گرایش‌های خودمحور یا گروه‌محور

<ul style="list-style-type: none"> • احتیاط در تعلیق، صدور یا تغییر داورى‌ها • آمادگى برای بازاندیشى و اصلاح دیدگاه‌ها در صورت اقتضای تأمل صادقانه • شفافیت در بیان پرسش یا دغدغه اصلی • نظم‌مندی در مواجهه با پیچیدگى‌ها • پشتکار در جست‌وجوی اطلاعات مرتبط • معقول‌بودن در انتخاب و به‌کارگیری معیارها • دقت در تمرکز بر مسئله محوری • پایداری در مواجهه با دشواری‌ها • رعایت دقت و ظرافت به میزان اقتضای موضوع و شرایط 	<ul style="list-style-type: none"> • تحلیل: شناسایی روابط استنتاجی واقعی یا موردنظر میان گزاره‌ها، توصیف‌ها، پرسش‌ها یا سایر اشکال بازنمایی • استنتاج: شناسایی و فراهم‌سازی عناصر لازم برای دستیابی به نتیجه‌گیری‌های معقول؛ شکل‌دهی حدس‌ها و فرضیه‌ها؛ در نظر گرفتن اطلاعات مرتبط؛ و استخراج پیامدهای ناشی از داده‌ها، گزاره‌ها، اصول، شواهد، داورى‌ها، باورها، دیدگاه‌ها، مفاهیم، توصیف‌ها و پرسش‌ها. • تبیین (توضیح): بیان نتایج حاصل از فرایند استدلال؛ توجیه استدلال بر اساس ملاحظات شواهدی، مفهومی، روش‌شناختی، معیارمحور و زمینه‌ای؛ و ارائه استدلال‌ها در قالب استدلال‌های منسجم و اقناع‌کننده. • خودتنظیمی: پایش آگاهانه فعالیت‌های شناختی فرد، عناصر به‌کاررفته در این فعالیت‌ها و نتایج استنتاج‌شده؛ به‌ویژه از طریق به‌کارگیری مهارت‌های تحلیل و ارزیابی برای بازبینی، تأیید، اعتبارسنجی یا اصلاح استدلال‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها. 	<p>فاشیونه (۱۹۹۰)، صص. ۲-۱۹؛ ۲۰۱۵، صص. ۱- (۲۸)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • فروتنی فکری: آگاهی از محدودیت‌های دانش شخصی، حساسیت نسبت به سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌ها، و توجه به شرایطی که خودمحوری شناختی ممکن است موجب خودفریبی شود. • شجاعت فکری: تمایل به مواجهه و ارزیابی منصفانه باورها و دیدگاه‌هایی که پیش‌تر به‌طور جدی بررسی نشده‌اند، حتی در صورت واکنش‌های منفی شدید نسبت به آن‌ها. • همدلی فکری: توانایی قرار دادن خود به‌صورت تخیلی در جایگاه دیگران به‌منظور درک واقعی دیدگاه‌های آنان.. • درستکاری و یکپارچگی فکری: پایبندی به صداقت در تفکر، ثبات در به‌کارگیری معیارهای عقلانی، و اعمال همان استانداردهای سخت‌گیرانه شواهد و استدلال نسبت به خود که نسبت به دیگران اعمال می‌شود. • پشتکار فکری: تمایل به پیگیری بینش‌ها و حقیقت‌های فکری علی‌رغم وجود موانع، دشواری‌ها و ناکامی‌ها. • ایمان به عقلانیت: اعتماد به این اصل که در بلندمدت، منافع فردی و جمعی بشر از طریق به‌کارگیری آزادانه عقل و پرورش توانایی‌های استدلالی افراد به بهترین نحو تأمین می‌شود. 		<p>پال (۱۹۹۲)، صص. ۱۲-۱۳</p>
<p>حس عدالت‌خواهی فکری: تمایل به بررسی همدلانه تمامی دیدگاه‌ها و ارزیابی آن‌ها بر اساس معیارهای عقلانی یکسان، بدون تأثیرپذیری از علایق، احساسات یا منافع شخصی و بدون جانبداری نسبت به منافع دوستان، گروه اجتماعی یا ملی.</p>		<p>پال (۱۹۹۲)</p>

<ul style="list-style-type: none"> • اعتماد به نفس فکری: اطمینان به توانایی‌های استدلالی و شناختی خود • نگاه زمینه‌محور: توجه به کل موقعیت، شامل روابط، پیشینه و محیط مرتبط با رخدادها. • خلاقیت: ابتکار فکری برای تولید، کشف یا بازسازی ایده‌ها و تصور بدیل‌ها • انعطاف‌پذیری: توانایی سازگاری، تعدیل یا تغییر افکار، ایده‌ها و رفتارها. • کنجکاوی فکری: اشتیاق به دانستن از طریق مشاهده و پرسشگری اندیشمندانه برای کاوش امکان‌ها و گزینه‌ها. • درستکاری فکری: جست‌وجوی حقیقت از طریق فرایندهای صادقانه، حتی اگر نتایج با باورها و مفروضات فرد ناسازگار باشد. • شهود: نوعی ادراک بیشنی که بدون استفاده آگاهانه از استدلال شکل می‌گیرد • ذهن‌باز: پذیرش دیدگاه‌های متفاوت و آگاهی نسبت به سوگیری‌های شخصی. • پشتکار: پیگیری هدفمند مسیر تفکر علی‌رغم وجود موانع • بازاندیشی: تأمل درباره موضوع و مفروضات فکری به منظور دستیابی به فهم عمیق‌تر و خودارزیابی 	<ul style="list-style-type: none"> • تحلیل: تفکیک کل به اجزا به منظور کشف ماهیت، کارکرد و روابط میان آن‌ها. به کارگیری معیارها: داوری بر اساس قواعد یا معیارهای شخصی، حرفه‌ای یا اجتماعی تثبیت شده. • تمایزگذاری: تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان امور یا موقعیت‌ها و تفکیک دقیق طبقات یا سطوح. • جست‌وجوی اطلاعات: گردآوری شواهد، داده‌ها و دانش از طریق شناسایی منابع مرتبط و جمع‌آوری اطلاعات عینی، ذهنی، تاریخی و معاصر. • استدلال منطقی: دستیابی به نتایج یا استنتاج‌هایی که به واسطه شواهد پشتیبانی و توجیه می‌شوند. • پیش‌بینی: تصور یک طرح یا اقدام و پیامدهای احتمالی آن. • دگرگونی دانش: تغییر یا تبدیل ماهیت، شکل، کارکرد یا کاربرد مفاهیم در بافت‌ها و زمینه‌های مختلف. 	<p>شفر و روبنفلد (۲۰۰۰، صص. ۳۵۲-۳۵۹)</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ذهن‌باز: قدردانی از دیدگاه‌های بدیل و احترام به حق دیگران برای داشتن نظرات متفاوت • کنجکاوی: علاقه‌مندی فعال به کسب دانش و درک سازوکار امور، حتی زمانی که کاربردهای آن بلافاصله آشکار نیست. • حقیقت‌جویی: شجاعت در طرح پرسش‌ها برای دستیابی به بهترین دانش ممکن، حتی اگر این دانش با پیش‌فرض‌ها، باورها یا منافع فرد سازگار نباشد • تحلیل‌گری: تمایل به تفکر تحلیلی و استفاده از اطلاعات قابل راستی‌آزمایی، همراه با تأکید بر استدلال، شواهد و پیش‌بینی پیامدها. • نظام‌مندی: ارزش‌گذاری بر سازمان‌دهی، تمرکز و رویکردی هدفمند و پرتلاش در مواجهه با مسائل با سطوح مختلف پیچیدگی. • خودباوری فکری: اعتماد به استدلال شخصی و تمایل به به کارگیری این توانایی‌ها، به جای اتکا به راهبردهای جایگزین، برای پاسخ‌گویی به مسائل. 	<ul style="list-style-type: none"> • تفسیر: تفسیر دقیق مسائل و داده‌های عینی و ذهنی برگرفته از منابع اطلاعاتی متعارف • تحلیل: بررسی ایده‌ها، استدلال‌ها، داده‌ها و گزینه‌های مختلف اقدام • استنتاج: پرسشگری نسبت به ادعاها، ارزیابی استدلال‌ها و شناسایی خطاهای استدلالی و دستیابی به نتیجه‌گیری‌های متناسب. • تبیین: توضیح شفاف و دفاع از فرایند استدلالی که به تصمیم‌های مشخص منتهی شده است. • ارزیابی: سنجش اطلاعات به منظور تعیین میزان اعتبار و ارتباط آن‌ها. • خودتنظیمی: پایش مستمر فرایند تفکر فرد با استفاده از معیارهای عام و پذیرفته شده. 	<p>سیمپسون و کورتنی (۲۰۰۲، صص. ۹-۱۰)</p>
	<ul style="list-style-type: none"> • تحلیل: به کارگیری در بستر استدلال برای شناسایی، بررسی و تشخیص گزاره‌های موجود در استدلال‌ها. • ارزیابی: سنجش گزاره‌ها و نتایج استنتاج شده از آن‌ها از حیث اعتبار، ارتباط، قوت منطقی و احتمال وجود حذف، سوگیری یا عدم تعادل در استدلال؛ و در نهایت داوری درباره قوت یا ضعف کلی استدلال. • استنتاج: گردآوری شواهد معتبر، مرتبط و منطقی بر اساس 	<p>دوایر و همکاران (۲۰۱۴، صص. ۴۳-۵۲)</p>

	<p>تحلیل و ارزیابی پیشین شواهد در دسترس، به منظور دستیابی به نتیجه‌گیری معقول.</p> <ul style="list-style-type: none">• داوری بازانديشانه: توانایی انجام فراشناخت و به‌کارگیری مهارت‌های تفکر انتقادی در یک مسئله خاص که مستلزم حساسیت بازانديشانه و ظرفیت داوری تأملی است.	
<ul style="list-style-type: none">• شفافیت در درک و بیان مقصود موردنظر• نظام‌مندی در تفکر و عمل• توجه به کل موقعیت و زمینه تصمیم‌گیری• تحلیل‌گری• کنجکاوی فکری• جست‌وجوی بدیل‌ها و گزینه‌های مختلف• دقت‌طلبی متناسب با اقتضانات موقعیت• خودآگاهی شناختی• ذهن باز• حقیقت‌جویی• به‌کارگیری فعال توانایی‌های تفکر انتقادی• احتیاط و توجه آگاهانه در داوری• فراشناخت‌مندی• خودباوری فکری• بلوغ فکری	<ul style="list-style-type: none">• تفسیر• تبیین• تحلیل• استنتاج• ارزیابی• خودتنظیمی	<p>توماس و لوک (۲۰۱۵، صص. ۹۳-۱۰۵)</p>

چارچوب جامع شایستگی در عصر انقلاب صنعتی چهارم

در عصر انقلاب صنعتی چهارم، حسابداران از پردازشگران اعداد به تحلیل‌گران استراتژیک تغییر نقش داده‌اند. در این راستا، تربلانش و دی کلرک یک چارچوب شایستگی نوین ارائه کرده‌اند که شامل ویژگی‌های زیر است:

- ✓ رفتار اخلاقی: برخلاف مدل‌های کلاسیک، در حسابداری، اخلاق به عنوان ستون اصلی تفکر انتقادی در نظر گرفته می‌شود که باید محرک تمامی قضاوت‌های شناختی باشد.
- ✓ تفکر خلاق (خارج از چارچوب): توانایی کشف الگوهای جدید و ارائه راهکارهای بدیع برای مسائل غیرساختارمند.
- ✓ انگیزه درونی و نگرش مثبت: برخورداری از پشتکار برای غلبه بر موانع در تحلیل‌های پیچیده مالی.
- ✓ مهارت‌های ارتباطی: تفکر انتقادی بدون توانایی به اشتراک‌گذاری موثر یافته‌ها و ایده‌ها در محیط‌های تعاملی ناقص خواهد بود.

مدل‌های رشد شناختی: از تفکر سیاه و سفید تا ساخت دانش

یکی از مهم‌ترین بخش‌های زیربنایی در آموزش تفکر انتقادی، درک نحوه تکامل ذهنی دانشجویان است. ولکات و سارجنت استفاده از «مدل قضاوت تأملی»^۱ را برای حسابداری پیشنهاد می‌دهند که شامل ۵ سطح رشدی در بزرگسالان است:

سطح ۱ جوینده واقعیت سردرگم: دانشجو معتقد است همه مسائل حسابداری یک پاسخ قطعی (سیاه و سفید) دارند که نزد اساتید یا در کتاب‌هاست.

¹ Reflective Judgment Model

سطح ۲ پرش کننده سوگیرانه: دانشجو می‌پذیرد که قطعیت وجود ندارد، اما معتقد است هر کسی می‌تواند نظر خود را داشته باشد و تنها به شواهدی تکیه می‌کند که نظر او را تایید کنند.

سطح ۳ تحلیل گر دائمی: دانشجو متوجه می‌شود که تحلیل باید بر اساس بستر باشد، اما در رسیدن به نتیجه نهایی مردد است.

سطح ۴ عمل‌گرای توانمند: دانشجو می‌تواند به طور موقت و بر اساس اطلاعات موجود، نتایج مستدل و عمل‌گرایانه ارائه دهد (هدف مطلوب برای بدو ورود به بازار کار).

سطح ۵ اصلاح‌گر استراتژیک: هدف نهایی که در آن فرد دانش را بر اساس تجربیات طولانی مدت بازسازی کرده و به نتایج با اطمینان بالا می‌رسد.

سینوه و همکاران در مطالعه موردی خود اشاره می‌کنند که اکثر دانشجویان حسابداری در سطوح پایین این مدل قرار دارند و برای حرکت به سمت سطوح بالاتر، نیازمند داربست‌بندی آموزشی و تمرین مداوم بر روی مسائل دنیای واقعی هستند.

استراتژی‌ها و ابزارهای نوین در آموزش تفکر انتقادی

توسعه تفکر انتقادی در دانشجویان حسابداری مستلزم عبور از روش‌های سنتی (سخنرانی‌محور) به سمت محیط‌های یادگیری فعال است که در آن دانشجو با مسائل پیچیده و غیرساختارمند مواجه می‌شود (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷). در عصر انقلاب صنعتی چهارم، اساتید باید محیطی ایجاد کنند که با مفاهیم پایه شروع شده و به سمت موقعیت‌های چالش‌برانگیز حرکت کند (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷).

شبیه‌سازی‌های تجاری و مطالعه موردی

یکی از موثرترین ابزارها برای هدایت دانشجو از حل مسائل ساده آخر فصل به فضای واقعی کسب‌وکار، استفاده از شبیه‌سازی‌هاست.

مواجهه با عدم اطمینان: شبیه‌سازی‌ها هدفشان سوق دادن دانشجویان از مسائل دارای ساختار مشخص به سمت موقعیت‌هایی با درجه بالایی از عدم اطمینان است. این تمرین‌ها به دانشجویان کمک می‌کند تا فراتر از اعداد رفته و به تحلیل و تفسیر داده‌ها بپردازند (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷).

مطالعه موردی واقعی: استفاده از مواردی که توسط نهادهای حرفه‌ای مانند انجمن حسابداری آمریکا یا سازمان‌های بزرگ حسابرسی ارائه می‌شود، مهارت‌های پرسش‌گری و ارزیابی شواهد را در دانشجویان تقویت می‌کند تأکید می‌کنند که مطالعه موردی به دلیل پیوند با دنیای واقعی و نیاز به قضاوت سطح بالا، محبوب‌ترین ابزار از نظر دانشجویان برای یادگیری تفکر انتقادی هستند (سینوه و همکاران ۲۰۲۳).

استفاده از روبیک‌های نمره‌دهی

دانشجویان اغلب در مواجهه با تکالیف تحلیلی، نمی‌دانند از کجا شروع کنند. روبیک‌ها ابزاری قدرتمند برای شفاف‌سازی انتظارات هستند.

تعریف و کاربرد: روبیک ابزاری است که معیارهای ارزیابی را شناسایی کرده و شواهدی را که برای سنجش شایستگی دانشجو به کار می‌رود، به او منتقل می‌کند (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷).

تسهیل ارتباطات: اگر رویک‌ها پیش از انجام تکلیف در اختیار دانشجویان قرار گیرند، به عنوان راهنمایی برای بهبود عملکرد و شفاف‌سازی پیوند میان آموزش، یادگیری و ارزیابی عمل می‌کنند (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷). همچنین استفاده از «روییک‌های خودارزیابی» به دانشجویان اجازه می‌دهد تا بر فرآیندهای فکری خود نظارت کنند (تربلانش و دی کلرک، ۲۰۲۱).

یادگیری مشارکتی و گفتگومحور

تحقیقات نشان می‌دهد که دیالوگ و تعاملات گروهی از موثرترین روش‌ها برای آموزش تفکر انتقادی هستند. ✓ بحث‌های هدایت‌شده: اساتیدی که سوالات چالش‌برانگیز مطرح کرده و بحث‌های گروهی را هدایت می‌کنند، بیشترین تأثیر را بر رشد مهارت‌های تحلیلی دارند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳). این گفتگوها به دانشجویان کمک می‌کند تا سوگیری‌های خود را شناسایی کرده و دیدگاه‌های جایگزین را ارزیابی کنند (تربلانش و دی کلرک، ۲۰۲۱).

✓ مباحثه و نقش‌آفرینی: (Debates) تکنیک‌هایی مانند مناظره‌های کلاسی در مورد سیاست‌های مالیاتی یا استانداردهای حسابداری، دانشجویان را وادار می‌کند تا برای ادعاهای خود شواهد معتبر ارائه داده و منطق مخالفان را به چالش بکشند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

داربست‌بندی آموزشی و مدیریت بار شناختی^۱

توسعه تفکر انتقادی یک فرآیند تدریجی است و نمی‌توان انتظار داشت دانشجویان بدون حمایت اولیه به سطوح بالای تفکر دست یابند.

✓ داربست‌بندی: این رویکرد بر اساس نظریه ویگوتسکی بنا شده است؛ دانشجویان تحت هدایت مستمر استاد قرار می‌گیرند تا زمانی که قادر باشند به طور مستقل وظایف پیچیده را انجام دهند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳). این حمایت می‌تواند شامل ارائه مثال‌های حل‌شده، بازخوردهای مرحله‌ای و راهنماهای فرآیند تفکر باشد. (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

✓ نظریه بار شناختی: اساتید باید مراقب باشند که دانشجویان در هنگام یادگیری دانش فنی جدید، با تکالیف بسیار پیچیده تفکر انتقادی دچار «سردرگمی و اشباع ذهنی» نشوند (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱). پیشنهاد می‌شود که پیچیدگی مسائل به صورت گام‌به‌گام افزایش یابد تا بار شناختی مدیریت شود (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).

بازخورد سازنده و به‌موقع

بازخورد، رکن اصلی یادگیری تفکر انتقادی است.

✓ بازخورد در لحظه: دانشجویان در بحث‌های گروهی به بازخوردهای فوری استاد نیاز دارند تا مسیر استدلال خود را اصلاح کنند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

✓ فراتر از نمره: بازخورد نباید صرفاً نمره نهایی باشد، بلکه باید بر «فرآیند فکر کردن» تمرکز کند. ارائه بازخوردهای مداوم و اختصاصی بر روی تکالیف تحلیلی، حتی در کلاس‌های پرجمعیت، برای رشد دانشجو حیاتی است (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).

¹ Scaffolding & Cognitive Load

چالش‌ها و موانع پیش‌رو در توسعه تفکر انتقادی

علی‌رغم تأکید نهادهای حرفه‌ای بر ضرورت مهارت‌های تحلیل سطح بالا، پیاده‌سازی تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی حسابداری با سدهای متعددی روبروست. این موانع را می‌توان در چهار دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: چالش‌های مفهومی، موانع مرتبط با دانشجو، محدودیت‌های اساتید و ساختار آموزشی، و در نهایت محدودیت‌های منابع و محیطی.

ابهام مفهومی و فقدان تعریف عملیاتی واحد

یکی از نخستین موانع، «فقدان تعریف واحد و مورد توافق»^۱ از تفکر انتقادی در آموزش حسابداری است (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱). این مفهوم به عنوان «یکی از دشوارترین اصطلاحات در آموزش» توصیف شده است که «فقدان اجماع بر سر واژگان آن» موجب سردرگمی مدرسان می‌شود (تربلانش و دی کلرک، ۲۰۲۱). علاوه بر این، در حالی که اساتید ممکن است از افعال «طبقه‌بندی بلوم» (مانند تحلیل و ارزیابی) استفاده کنند، اغلب میان درک استاد و دانشجو از این افعال شکاف وجود دارد؛ به عنوان مثال، دانشجو ممکن است «تحلیل» را صرفاً به معنای انجام یک محاسبه صحیح در نظر بگیرد، در حالی که انتظار استاد، ارزیابی منابع متعدد اطلاعاتی است (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).

موانع مرتبط با سطح شناختی و رفتاری دانشجویان

توسعه تفکر انتقادی به شدت تحت تأثیر «سطح رشد شناختی» دانشجویان است. بر اساس «مدل قضاوت تأملی»، بسیاری از دانشجویان حسابداری در سطوح پایینی قرار دارند که در آن مسائل را «سیاه و سفید» می‌بینند و معتقدند شغل آن‌ها تنها «یافتن پاسخ صحیح ارائه شده توسط متخصصان» است (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).
✓ شکاف مهارت‌های پیش‌نیاز: بسیاری از دانشجویان زمانی که با مسائل غیرساختارمند^۲ مواجه می‌شوند، «نمی‌دانند از کجا شروع کنند (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷). این «فقدان دانش پیش‌نیاز» یا مهارت‌های حل مسئله، مانع از آن می‌شود که آن‌ها بار شناختی لازم برای تحلیل‌های پیچیده را تحمل کنند (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).
✓ چالش دانشجویان بین‌المللی: دانشجویان بین‌المللی (به‌ویژه از فرهنگ‌های آسیایی) ممکن است به دلیل «پیشینه فرهنگی و تجربیات یادگیری قبلی»، به «یادگیری غیرفعال» و «تکیه شدید بر حفظ کردن» تمایل داشته باشند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین، «موانع زبانی» می‌تواند مانع از بیان استدلال‌ها و نظرات آن‌ها در محیط‌های تعاملی شود (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

تضاد میان «انتقال محتوا» و «توسعه مهارت»

اساتید حسابداری با یک پارادوکس بزرگ روبرو هستند: «حجم بالای مطالب فنی» در مقابل «زمان لازم برای توسعه مهارت‌های فکری».
✓ تمرکز بر محتوای فنی: برنامه‌های درسی حسابداری به شدت بر «انتقال محتوای فنی» متمرکز هستند تا فرآیند فکری (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳). فشار ناشی از «حجم اعتباربخشی‌ها» باعث می‌شود اساتید به جای «داربست‌بندی فرآیند تفکر»، به تدریس سنتی و سخنرانی محور روی بیاورند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

¹ Lack of a single, agreed-upon definition

² Unstructured

✓ مقاومت در برابر تغییر: اساتیدی که به رویکردهای سنتی (تمرکز بر جنبه‌های فنی تکالیف) عادت کرده‌اند، ممکن است در برابر پذیرش مدل‌های جدید «مقاومت» کنند، به‌ویژه زمانی که شواهد تجربی کافی برای اثربخشی این روش‌ها در حسابداری وجود ندارد (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).

محدودیت منابع و چالش‌های لجستیکی

آموزش تفکر انتقادی یک فعالیت «زمان‌بر و چالش‌برانگیز» است (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷).
✓ زمان نمره‌دهی و بازخورد: ارائه بازخورد فردی و باکیفیت برای توسعه تفکر انتقادی حیاتی است، اما اساتید در کلاس‌های پرجمعیت با محدودیت‌های شدید زمانی روبرو هستند. برای مثال، اختصاص تنها «۲ دقیقه برای تصحیح هر برگه» به هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد استاد فرآیند فکری دانشجویان را تحلیل کرده و بازخورد سازنده ارائه دهد (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

✓ ناکارآمدی ابزارهای ایزوله: تحقیقات نشان می‌دهد که استفاده «ایزوله» از ابزارهایی مانند رویبک یا شبیه‌سازی، بدون «بازخورد مستمر استاد»، تأثیر معناداری بر مهارت‌های تحلیل پیچیده دانشجویان ندارد (کاسینی و ریچ، ۲۰۰۷).

محیط‌های نوین آموزشی و افت تعامل^۱

تغییر ناگهانی به سمت «آموزش آنلاین» (به ویژه پس از پاندمی کووید-۱۹) ضربه سنگینی به آموزش تفکر انتقادی وارد کرده است.

✓ اختلال در تعاملات سنتی: در محیط‌های آنلاین مانند Zoom، تعامل دانشجویان به شدت افت کرده است (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳). از آنجایی که تفکر انتقادی از طریق «دیالوگ و بحث‌های گروهی» رشد می‌کند، این محیط‌های ساکت و غیرفعال مانع از به اشتراک‌گذاری ایده‌ها و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها می‌شوند (سینوه و همکاران، ۲۰۲۳).

✓ محدودیت‌های کتاب‌های درسی: اکثر کتاب‌های درسی حسابداری همچنان بر «مهارت‌های شناختی سطح پایین» تمرکز دارند و سوالاتی که تفکر انتقادی را تحریک کنند، در آن‌ها کمتر یافت می‌شود (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱).

موانع نهادی و سیستم پاداش‌دهی دانشگاهی

در نهایت، ساختار پاداش‌دهی در دانشگاه‌ها نیز سدی در برابر بهبود آموزش است. اساتید بیشتر برای «پژوهش‌های غیرمرتبط با آموزش» پاداش دریافت می‌کنند تا برای توسعه روش‌های نوین تدریس یا پژوهش در حوزه آموزش حسابداری (ولکات و سارجنت، ۲۰۲۱). این عدم توازن باعث می‌شود انگیزه کافی برای بازطراحی دوره‌ها با محوریت تفکر انتقادی وجود نداشته باشد.

خلاصه موانع کلیدی

منبع کلیدی	شرح دقیق بر اساس منابع	نوع چالش
تربلانش و دی کلرک (۲۰۲۱)؛ ولکات (۲۰۲۱)	فقدان تعریف واحد و سوءبرداشت از افعال بلوم	مفهومی
ولکات و سارجنت (۲۰۲۱)؛ سینوه (۲۰۲۳)	تمایل به پاسخ‌های قطعی (سیاه و سفید) و موانع فرهنگی	دانشجویی
سینوه و همکاران (۲۰۲۳)؛ کاسینی (۲۰۰۷)	غلبه محتوای فنی بر فرآیند فکری و کمبود بازخورد	آموزشی

^۱ Engagement

منابع	محدودیت زمان نمره‌دهی و افت تعامل در فضای آنلاین	سینوه و همکاران (۲۰۲۳)
ساختاری	سیستم پاداش‌دهی دانشگاهی علیه پژوهش‌های آموزشی	ولکات و سارجنت (۲۰۲۱)

بحث و نتیجه

حرفه حسابداری در حال گذر از یک تغییر پارادایمی است که توسط پیشرفت‌های فناورانه و نیاز به مهارت‌های فراتر از تخصص فنی هدایت می‌شود. این مهارت‌های اخیر، چارچوب فکری و اخلاقی لازم برای هدایت پیچیدگی‌های حرفه مدرن را فراهم می‌کنند. اگرچه تعریف مورد توافق جهانی در مهارت‌های مورد نیاز در حسابداری وجود ندارد و پیاده‌سازی مؤثر تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی حسابداری با موانع متعددی روبه‌رو است، یک نگاه یکپارچه به پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه به‌منظور تبیین شایستگی‌های تفکر انتقادی مورد نیاز حسابداران در عصر انقلاب صنعتی چهارم و ارائه راهکارهای آموزشی مبتنی بر شواهد تجربی با بررسی رویکردهایی نظیر استفاده از شبیه‌سازی‌های آموزشی، چارچوب‌های ارزشیابی مبتنی بر معیار و مدل‌های رشد شناختی، نقشه راهی برای تربیت حسابداران ارائه دهد که بتواند به‌عنوان متفکرانی مستقل، تحلیل‌گر و اخلاق‌مدار در محیط‌های پیچیده و پویای کسب‌وکار نقش‌آفرینی کنند.

منابع

- ✓ Crawford, L., Helliard, C., & Monk, E. A. (2011). Generic skills in audit education. *Accounting Education: An International Journal*, 20(2), 115–131.
- ✓ Dwyer, C. P., Hogan, M. J., & Stewart, I. (2014). An integrated critical thinking framework for the 21st century. *Thinking Skills and Creativity*, 12, 43–52.
- ✓ Ennis, R. H. (1985). A logical basis for measuring critical thinking skills. *Educational Leadership*, 43(2), 44–48. Retrieved May 24, 2020, from <https://jgregorymcverry.com/readings/ennis1985assessingcriticalthinking.pdf>
- ✓ E. A. J. Terblanche a and B. De Clercq. (2021). A critical thinking competency framework for accounting students. *ACCOUNTING EDUCATION*. 2021, VOL. 30, NO. 4, 325–354
- ✓ Facione, P. A. (1990). Critical thinking: A statement of expert consensus for purposes of educational assessment and instruction - executive summary of "The Delphi report". Retrieved May 20, 2016, from <https://www.insightassessment.com/wp-content/uploads/DEX-2014-reprinting.pdf>
- ✓ Karen Cascini, Anne Rich. (2007). Developing Critical Thinking Skills in the Intermediate Accounting Class: Using Simulations with Rubrics. *Journal of Business Case Studies*, 3(2), 17-28. doi: 10.19030/jbcs.v3i2.4839.
- ✓ Rebele, J. E., & St. Pierre, E. K. (2015). Stagnation in accounting education research. *Journal of Accounting Education* 33, 128–137
- ✓ Simpson, E., & Courtney, M. (2002). Critical thinking in nursing education: A literature review. *International Journal of Nursing Practice*, 8(2), 89–98. <https://doi.org/10.1046/j.1440-172x.2002.00340.x>
- ✓ Susan K. Wolcott a, Matthew J. Sargent. (2021). Critical thinking in accounting education: Status and call to action. *Journal of Accounting Education*, 56 (2021) 100731
- ✓ Thomas, K., & Lok, B. (2015). Teaching critical thinking: An operational framework. In M. Davies & R. Barnett (Eds.), *The Palgrave handbook of critical thinking in higher education* (pp. 93–106). Palgrave Handbooks.